



A Qur'anic Model of National Security Based on the Principle of Nafy al-Sabil: An Explanation of Its Components and Functions*

Mahdi Gordi Takhti 

Professor, Qom Seminary, Qom, Iran.
takhti313m@gmail.com

Abstract

The principle of Nafy al-Sabil (“denial of domination”) is regarded as one of the fundamental jurisprudential and Qur’anic principles and constitutes an important theoretical foundation for explaining relations between Muslims and other communities and for safeguarding the independence and authority of Islamic society. The primary textual basis for this principle is the Qur’anic verse: “And never will Allah grant the disbelievers a way over the believers” (Qur’an 4:141), which indicates the rejection of any form of domination, influence, or superiority of outsiders over the community of believers. Given the expanding dimensions of security in contemporary studies and the need to reconsider the Qur’anic foundations of national security, the central problem of this study is to examine the potential of the principle of Nafy al-Sabil for developing a Qur’anic model of national security and for identifying its components and functions. The study aims to extract and explain the components of national security from the perspective of the Holy Qur’an on the basis of Nafy al-Sabil and

* **Cite this Article:** Gordi Takhti, Mahdi. (2026). A Qur’anic Model of National Security Based on the Principle of Nafy al-Sabil: An Explanation of Its Components and Functions. *Jurisprudence and Politics*, 7(1), pp. 375-407.
<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75251.1134>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2025/09/25 • **Revised:** 2025/12/08 • **Accepted:** 2026/02/08 • **Published online:** 2026/03/29

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



to analyze its role in ensuring the security of Islamic society. This study employs a descriptive-analytical methodology and draws upon library-based data, including Qur'anic, exegetical, and jurisprudential sources. In this regard, verses concerning the rejection of domination, preservation of independence, prevention of foreign influence, and strengthening of authority are examined and analyzed. The findings demonstrate that the Holy Qur'an does not define security merely as the absence of military and political threats. Rather, it presents security as a multidimensional and civilizational concept encompassing ideological, cultural, political, economic, and social dimensions. Accordingly, Qur'anic national security consists of five principal components: ideological security, cultural security, political security, economic security, and social security. As the governing principle underlying these dimensions, Nafy al-Sabil contributes to the realization of sustainable security by safeguarding religious identity, preserving political independence, reducing economic dependence, countering foreign influence, strengthening defensive capabilities, and consolidating social cohesion. The findings indicate that Nafy al-Sabil, beyond being a jurisprudential ruling, has the capacity to provide a comprehensive model of national security—one grounded in monotheism, dignity, independence, justice, and the rejection of domination. Such a model can provide a theoretical framework for rethinking Islamic security studies and conceptualizing sustainable security in Islamic society.

Keywords

Nafy al-Sabil; National Security; Ideological Security; Cultural Security; Political Security; Economic Security; Social Security.



النموذج القرآني للأمن القومي القائم على قاعدة نفي السبيل:

تبين المكونات والوظائف *

مهدي كردي تختي 

أستاذ في الحوزة العلمية في قم، إيران.
takhti313m@gmail.com

المخلص

تُعَدُّ قاعدة «نفي السبيل» إحدى القواعد الفقهيَّة والقرآنيَّة الأساسيّة، ومن أهمِّ الأسس النظرية في تبين علاقات المسلمين بالمجتمعات الأخرى وصون استقلال المجتمع الإسلاميِّ واقتداره. ومستند هذه القاعدة بصورة رئيسة هو الآية الكريمة: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (النساء، ١٤١)، التي تدلُّ على نفي أيِّ شكل من أشكال الهيمنة والنفوذ والتفوق للأجانب على مجتمع المؤمنين. نظراً إلى اتساع أبعاد الأمن في الدراسات المعاصرة، وضرورة إعادة قراءة الأسس القرآنية للأمن القومي، تتمثَّل المسألة الرئيسة للبحث الحاليِّ في دراسة إمكانات قاعدة نفي السبيل في تبين النموذج القرآنيِّ للأمن القومي، وتحديد مكوّناته ووظائفه. ويهدف البحث إلى استخراج مكوّنات الأمن القوميِّ وتبيينها من منظور القرآن الكريم، استناداً إلى قاعدة نفي السبيل، وتحليل دورها في توفير أمن المجتمع الإسلاميِّ. أُجري هذا البحث بالمنهج الوصفيِّ - التحليليِّ، وبالاستفادة من البيانات المكتبية والمصادر

* الاستناد إلى هذه المقالة: كردي تختي، مهدي. (٢٠٢٦). النموذج القرآنيِّ للأمن القوميِّ القائم على قاعدة نفي السبيل: تبين المكونات والوظائف. الفقه والسياسة، ٧ (١)، صص ٤٠٧-٣٧٥.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75251.1134>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/٠٩/٠١ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/١٢/٠٨ • تاريخ القبول: ٢٠٢٦/٠٢/٠٨ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٦/٠٣/٢٩

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



القرآنية والتفسيرية والفقهية. وفي هذا السياق، تمّ تحليل ودراسة الآيات ذات الصلة بنفي الهيمنة، والحفاظ على الاستقلال، والوقاية من النفوذ، وتعزيز الاقتدار. وتُظهر نتائج البحث أنّ القرآن الكريم لا ينظر إلى الأمن بمجرد أنّه غياب التهديدات العسكرية والسياسية، بل يقدمه مفهوماً متعدد الأبعاد وحضارياً يشمل الأبعاد الاعتقادية والثقافية والسياسية والاقتصادية والاجتماعية. وبناءً على ذلك، يتكوّن الأمن القوميّ في القرآن من خمسة مكونات رئيسية، هي: الأمن الاعتقاديّ، والأمن الثقافيّ، والأمن السياسيّ، والأمن الاقتصاديّ، والأمن الاجتماعيّ.

وتشكّل قاعدة نفي السبيل، بوصفها مبدأ حاكماً على هذه الأبعاد، أساساً لتحقيق الأمن المستدام من خلال صيانة الهوية الدينية، والحفاظ على الاستقلال السياسيّ، وتقليل التبعية الاقتصادية، ومواجهة نفوذ الأجانب، وتعزيز الاقتدار الدفاعيّ، وترسيخ التماسك الاجتماعيّ. تُظهر نتائج البحث أنّ قاعدة نفي السبيل تتجاوز كونها حكماً فقهياً، إذ تمتلك القدرة على تقديم نموذج متكامل للأمن القوميّ، وهو نموذج قائم على التوحيد، والعزة، والاستقلال، والعدالة، ونفي الهيمنة، ويمكنه أن يوفر إطاراً نظرياً لإعادة التفكير في الدراسات الأمنية الإسلامية، وتبيين الأمن المستدام في المجتمع الإسلاميّ.

الكلمات المفتاحية

قاعدة نفي السبيل، الأمن القوميّ، الأمن الاعتقاديّ، الأمن الثقافيّ، الأمن السياسيّ، الأمن الاقتصاديّ، الأمن الاجتماعيّ.



الگوی قرآنی امنیت ملی مبتنی بر قاعده نفی سبیل:

تبیین مؤلفه‌ها، کارکردها*

مهدی گردی تختی

استاد حوزه علمیه قم، قم، ایران
takhti313m@gmail.com

چکیده

قاعده «نفی سبیل» به عنوان یکی از قواعد بنیادین فقهی و قرآنی، از مهمترین مبانی نظری در تبیین روابط مسلمانان با دیگر جوامع و صیانت از استقلال و اقتدار جامعه اسلامی به شمار می رود. مستند اصلی این قاعده، آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) است که بر نفی هرگونه سلطه، نفوذ و برتری بیگانگان بر جامعه مؤمنان دلالت دارد. با توجه به گسترش ابعاد امنیت در مطالعات معاصر و ضرورت بازخوانی مبانی قرآنی امنیت ملی، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی ظرفیت‌های قاعده نفی سبیل در تبیین الگوی قرآنی امنیت ملی و شناسایی مؤلفه‌ها و کارکردهای آن است. هدف پژوهش، استخراج و تبیین مؤلفه‌های امنیت ملی از منظر قرآن کریم بر پایه قاعده نفی سبیل و تحلیل نقش آن در تأمین امنیت جامعه اسلامی است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از داده‌های کتابخانه‌ای، منابع قرآنی، تفسیری و فقهی انجام شده است. در این راستا، آیات مرتبط با نفی سلطه، حفظ استقلال، پیشگیری از نفوذ و تقویت اقتدار مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان

* استناد به این مقاله: گردی تختی، مهدی. (۱۴۰۵). الگوی قرآنی امنیت ملی مبتنی بر قاعده نفی سبیل: تبیین مؤلفه‌ها، کارکردها. فقه و سیاست، ۱۷(۱)، صص ۳۷۵-۴۰۷.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75251.1134>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۰۹

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

می‌دهد که قرآن کریم امنیت را تنها به معنای نبود تهدیدات نظامی و سیاسی نمی‌داند، بلکه آن را مفهومی چندبعدی و تمدنی معرفی می‌کند که ابعاد اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. بر این اساس، امنیت ملی در قرآن دارای پنج مؤلفه اصلی است: امنیت اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی. قاعده نفی سبیل به عنوان اصل حاکم بر این ابعاد، از طریق صیانت از هویت دینی، حفظ استقلال سیاسی، کاهش وابستگی اقتصادی، مقابله با نفوذ بیگانگان، تقویت اقتدار دفاعی و تحکیم انسجام اجتماعی، زمینه تحقق امنیت پایدار را فراهم می‌سازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قاعده نفی سبیل فراتر از یک حکم فقهی، ظرفیت ارائه الگویی جامع برای امنیت ملی را داراست؛ الگویی مبتنی بر توحید، عزت، استقلال، عدالت و نفی سلطه که می‌تواند چارچوبی نظری برای بازاندیشی در مطالعات امنیتی اسلامی و تبیین امنیت پایدار در جامعه اسلامی فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها

قاعده نفی سبیل، امنیت ملی، امنیت اعتقادی، امنیت فرهنگی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی.

۱. مقدمه

امنیت ملی از مفاهیم بنیادین در مطالعات راهبردی و روابط بین‌الملل است که با بقا، ثبات و تداوم نظام‌های سیاسی پیوند دارد. با این حال، نظریه‌های مسلط امنیتی به‌طور عمده بر مؤلفه‌های مادی قدرت، بازدارندگی و رقابت دولت‌ها متمرکز بوده و در تبیین ابعاد هنجاری، ارزشی و معرفتی امنیت با محدودیت مواجه‌اند. از این رو، بازخوانی مفهوم امنیت در چارچوب اندیشه اسلامی و فقه سیاسی، به‌عنوان یک الگوی معرفتی بدیل، ضرورتی نظری و راهبردی به‌شمار می‌رود.

در منظومه قرآنی - فقهی، امنیت تنها به معنای فقدان تهدید نیست، بلکه از اهداف بنیادین شریعت و از ارکان حیات مطلوب انسانی به‌شمار می‌رود. قرآن کریم امنیت را در کنار تأمین معیشت از نعمت‌های اساسی الهی معرفی می‌کند: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش، ۴) و تحقق آن را در پرتو ایمان و عدالت می‌داند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» (انعام، ۸۲). در روایات نیز امنیت از بزرگترین نعمت‌های الهی شمرده شده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند، «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ، الصَّحَّةُ وَالْأَمَانُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۷۰). همچنین امیرالمؤمنین علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر، تأمین امنیت عمومی و حفظ نظم اجتماعی را از مهمترین وظایف حکومت اسلامی برمی‌شمارند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). بر این اساس، امنیت در اندیشه اسلامی مفهومی چندبعدی است که ابعاد اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را دربر می‌گیرد.

در میان قواعد فقهی ناظر به روابط جامعه اسلامی با محیط پیرامونی، قاعده «نفی سبیل» جایگاهی محوری دارد. این قاعده که مستند به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) است، بر نفی هرگونه سلطه و برتری بیگانگان بر جامعه اسلامی دلالت دارد. با وجود اهمیت این قاعده، پژوهش‌های فقهی غالباً آن را در قلمرو فروع فقهی یا مسائل محدود سیاسی بررسی کرده‌اند و ظرفیت‌های آن برای نظریه‌پردازی در حوزه امنیت ملی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که در شرایط کنونی، سلطه تنها به اشکال سیاسی و نظامی محدود نبوده و عرصه‌هایی

چون وابستگی اقتصادی، هژمونی فرهنگی، نفوذ رسانه‌ای و جنگ شناختی را نیز در بر می‌گیرد.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که قاعده نفی سیل چگونه می‌تواند در چارچوب فقه امنیت اسلامی به‌عنوان مبنای نظری امنیت ملی در قرآن کریم صورت‌بندی شود. فرضیه پژوهش آن است که این قاعده، با دلالت بر نفی هرگونه سلطه و وابستگی ساختاری، ظرفیت ارائه الگویی چندبعدی از امنیت ملی را داراست که مؤلفه‌های اصلی آن شامل استقلال سیاسی، صیانت فرهنگی، خوداتکایی اقتصادی، اقتدار دفاعی و انسجام اجتماعی امت اسلامی است.

۱-۱. پیشینه پژوهش و نوآوری تحقیق

پژوهش‌های مرتبط با قاعده نفی سیل و مسئله امنیت را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

دسته نخست، پژوهش‌های فقهی و اصولی درباره قاعده نفی سیل است. در این حوزه، آثاری همچون القواعد الفقهية موسوی بجنوردی (۱۳۸۰)، مباحث فقهی امام خمینی رحمته الله، فقه نظام سیاسی اسلام هاشمی شاهرودی (۱۳۹۰) و فقه سیاسی عمید زنجانی (۱۳۸۹)، به تبیین مبانی فقهی قاعده نفی سیل و کارکرد آن در نفی سلطه و حفظ استقلال جامعه اسلامی پرداخته‌اند. با این حال، تمرکز این آثار عمدتاً بر ابعاد فقهی و حقوقی قاعده بوده و کمتر به ظرفیت آن در نظریه‌پردازی امنیت ملی توجه شده است.

دسته دوم، پژوهش‌های قرآنی و اندیشه سیاسی اسلام در حوزه امنیت است. آثاری نظیر قرآن و امنیت اجتماعی اثر آیت الله جوادی آملی (۱۳۸۸)، منشور جاوید آیت الله سبحانی (۱۳۸۹)، و نیز مقاله «امنیت در قرآن کریم؛ مبانی و مؤلفه‌ها» (احمدی و حسینی، ۱۳۹۷)، امنیت را به‌عنوان مفهومی چندبعدی و مبتنی بر ایمان، عدالت، هویت دینی و انسجام اجتماعی بررسی کرده‌اند. این آثار اگرچه در تبیین مبانی قرآنی امنیت نقش مهمی دارند، اما ارتباط نظام‌مند میان قاعده نفی سیل و ابعاد مختلف امنیت ملی را مورد توجه قرار نداده‌اند.

دسته سوم، پژوهش‌هایی هستند که به‌طور خاص رابطه قاعده نفی سبیل و امنیت یا سیاست خارجی را بررسی کرده‌اند. از جمله می‌توان به مقاله «تحلیل قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» (رحیمی، ۱۳۹۸) و پژوهش «قاعده نفی سبیل و کارکردهای آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» (رضایی، ۱۴۰۰) اشاره کرد. این تحقیقات به‌طور عمده بر پیامدهای سیاسی و سیاست خارجی قاعده نفی سبیل متمرکز بوده و کمتر به استخراج یک الگوی جامع امنیت ملی از متن قرآن کریم پرداخته‌اند. با وجود پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه قاعده نفی سبیل، امنیت قرآنی و فقه امنیت، بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی که به‌صورت نظام‌مند و با رویکرد الگویابی قرآنی، مؤلفه‌های امنیت ملی را براساس قاعده نفی سبیل استخراج و کارکردهای آن را در قالب یک الگوی جامع امنیت ملی تبیین نماید، انجام نشده است؛ از این‌رو پژوهش حاضر درصدد پر کردن این خلأ علمی است.

بر این اساس، نوآوری پژوهش حاضر در سه محور قابل تبیین است:

نخست، بازخوانی قاعده نفی سبیل به‌عنوان یک اصل راهبردی در فقه امنیت اسلامی. دوم، استخراج و صورت‌بندی مؤلفه‌های پنج‌گانه امنیت ملی از منظر قرآن کریم بر پایه این قاعده.

سوم، ارائه یک الگوی مفهومی منسجم که رابطه میان مبانی ارزشی اسلام، قاعده نفی سبیل، مؤلفه‌های امنیت ملی و کارکردهای امنیت‌ساز آن را تبیین می‌کند. از این منظر، پژوهش حاضر تلاش می‌کند خلأ موجود میان مطالعات فقهی نفی سبیل و نظریه‌پردازی امنیت ملی در اندیشه اسلامی را پوشش دهد.

۲-۱. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات بنیادی و با رویکرد کیفی انجام شده است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در این پژوهش، برای استخراج الگوی قرآنی امنیت ملی مبتنی بر قاعده نفی سبیل، از روش تحلیل مفهومی و استنباطی بهره گرفته شده است.

فرایند تحقیق در سه مرحله سامان یافته است: نخست، شناسایی و گردآوری آیات مرتبط با نفی سلطه، استقلال، عزت، نفوذ، ولایت و اقتدار در قرآن کریم؛ دوم، تحلیل تفسیری و فقهی این آیات با مراجعه به منابع معتبر تفسیری و فقهی؛ و سوم، استنتاج مؤلفه‌ها و کارکردهای امنیت ملی براساس دلالت‌های مستقیم و غیرمستقیم قاعده نفی سیبیل.

در مرحله تحلیل، از رویکرد «تفسیر موضوعی» استفاده شده است؛ بدین معنا که آیات مرتبط با موضوع امنیت و نفی سلطه در یک منظومه مفهومی مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط میان آنها تحلیل شده است. همچنین برای افزایش اعتبار یافته‌ها، دیدگاه‌های مفسران و فقهای برجسته شیعه و اهل سنت به صورت تطبیقی مورد توجه قرار گرفته است. ملاک انتخاب آیات و منابع، ارتباط مستقیم آنها با مؤلفه‌های امنیت ملی و ظرفیت استنباط دلالت‌های امنیتی از قاعده نفی سیبیل بوده است.

بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد ارائه مدلی مفهومی از امنیت ملی در قرآن کریم است که از رهگذر تحلیل منظومه‌ای آیات مرتبط با قاعده نفی سیبیل استخراج شده و قابلیت تبیین ابعاد مختلف امنیت در اندیشه اسلامی را داراست.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. مفهوم قاعده نفی سیبیل

۲-۱-۱. مفهوم لغوی سیبیل

واژه «سیبیل» از ریشه «س ب ل» در زبان عربی به معنای راه، طریق و مسیر آشکار است. لغویان این واژه را مترادف «طریق» دانسته و برای آن معانی توسعه‌یافته‌ای همچون وسیله وصول به مقصد، امکان دسترسی و سبب تحقق مقصود ذکر کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۲۱). راغب اصفهانی نیز سیبیل را راهی می‌داند که انسان را به مقصد می‌رساند و بر این باور است که این واژه متناسب با کاربرد خود، بر هر نوع طریق و وسیله دستیابی به هدف دلالت دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۱). بر این اساس، مفهوم لغوی سیبیل از معنای صرف راه و مسیر فراتر رفته و هرگونه طریق، وسیله و امکان وصول به مقصود را

دربر می‌گیرد. از این رو، عنصر مشترک در همه کاربردهای این واژه، دلالت آن بر «راه دستیابی به هدف» است؛ خواه این راه جنبه مادی داشته باشد یا معنوی.

۲-۱-۲. مفهوم قرآنی سبیل

مفهوم «سبیل» در آیه ۱۴۱ سوره نساء فراتر از معنای لغوی «راه» بوده و در ادبیات تفسیری به هر گونه مجرا، زمینه یا سازوکاری اطلاق می‌شود که به برتری، نفوذ یا سلطه کافران بر مؤمنان منتهی گردد. از این رو، دلالت آیه تنها ناظر به سلطه عینی و بالفعل نیست، بلکه هر وضعیتی را دربر می‌گیرد که زمینه تحقق یا تثبیت چنین سلطه‌ای را فراهم سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۹۷).

مفسران اسلامی در تبیین این مفهوم، سبیل را به معانی سلطه، غلبه، حجت و برتری مشروع تفسیر کرده‌اند. طبرسی نفی سبیل را بیانگر نفی هر گونه سلطه پایدار و نظام‌مند بر جامعه مؤمنان می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۱۴). فخر رازی نیز با توسعه دایره معنایی سبیل، آن را شامل حجت، قدرت و غلبه دانسته و معتقد است آیه در مقام نفی هر گونه برتری حقوقی و معرفتی کفار بر مؤمنان است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۱۷۰). همچنین علامه طباطبایی، نفی سبیل را ناظر به سلب هر نوع زمینه استعلا کفار بر جامعه اسلامی دانسته و آن را با اصل عزت و کرامت مؤمنان مرتبط می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۹۷). بر این اساس، سبیل در آیه نفی سبیل مفهومی ساختاری و فراتر از یک واژه تنها زبانی است و بر هر نوع سازوکار مؤثر در ایجاد وابستگی، نفوذ و سلطه دلالت دارد؛ بنابراین، قاعده نفی سبیل نه تنها نفی سلطه تحقق‌یافته، بلکه نفی زمینه‌ها و ساختارهای سلطه‌آفرین را نیز دربر می‌گیرد و از این حیث، یکی از مبانی مهم صیانت از استقلال، عزت و هویت جامعه اسلامی به شمار می‌رود.

۲-۱-۳. مفهوم اصطلاحی قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل یکی از قواعد بنیادین فقه اسلامی است که براساس آن، هر گونه سلطه، ولایت و برتری حقوقی غیرمسلمانان بر مسلمانان نفی می‌شود. فقهای امامیه مستند

اصلی این قاعده را آیه شریفه «وَكُنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» دانسته و آن را از قواعد حاکم بر ابواب مختلف فقه، از جمله معاملات، نکاح، قضا و روابط سیاسی معرفی کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۱۲). از منظر اصول فقه، نفی سبیل تنها یک حکم فرعی نیست، بلکه اصلی حاکم است که در استنباط احکام و تنظیم روابط اجتماعی مسلمانان نقش راهبردی ایفا می‌کند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۷).

مفسران و فقیهان، دلالت این قاعده را فراتر از روابط فردی دانسته و آن را ناظر به نفی هرگونه مشروعیت برای سلطه غیرمسلمانان بر جامعه اسلامی تلقی کرده‌اند. علامه طباطبایی، آیه نفی سبیل را بیانگر نفی زمینه‌های تشریعی سلطه کفار و تضمین‌کننده عزت و کرامت جامعه مؤمنان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۹۷).

بر این اساس، قاعده نفی سبیل را می‌توان اصلی فقهی - راهبردی دانست که هدف آن جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه رابطه سلطه‌گرانه و حفظ استقلال، عزت و هویت جامعه اسلامی است. از این رو، برخی اندیشمندان معاصر این قاعده را از مبانی فقه نظام و از اصول مؤثر در تنظیم روابط سیاسی و بین‌المللی جهان اسلام به شمار آورده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸).

۲-۲. مفهوم امنیت در قرآن

۲-۲-۱. مفهوم لغوی امنیت

واژه «امنیت» از ریشه «أمن» در زبان عربی گرفته شده و در معنای لغوی به آرامش، اطمینان و رهایی از خوف و اضطراب دلالت دارد. لغویان «أمن» را نقطه مقابل «خوف» دانسته و آن را حالتی تعریف کرده‌اند که در آن انسان از تهدید، خطر و نگرانی مصون باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۱). راغب اصفهانی نیز امنیت را به معنای زوال ترس و حصول اطمینان دانسته و آن را ناظر به آرامش و سکون نفس معرفی می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰).

براساس منابع لغوی، مفهوم امنیت تنها به نبود خطر محدود نمی‌شود، بلکه نوعی اطمینان و ثبات را نیز در بر می‌گیرد که زمینه آرامش فرد و جامعه را فراهم می‌سازد.

از این رو، عنصر مشترک در همه کاربردهای لغوی این واژه، رهایی از خوف و دستیابی به اطمینان و آرامش است؛ خواه این آرامش جنبه فردی داشته باشد یا اجتماعی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۳).

۲-۲-۲. مفهوم امنیت در اصطلاح قرآنی

امنیت در اصطلاح قرآنی، وضعیتی از آرامش، اطمینان و مصونیت است که انسان و جامعه را از انواع تهدیدهای مادی و معنوی حفظ می‌کند. قرآن کریم امنیت را از بزرگترین نعمت‌های الهی دانسته و آن را در کنار تأمین نیازهای معیشتی از ارکان زندگی مطلوب معرفی می‌کند: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش، ۴). همچنین در برخی آیات، امنیت به عنوان نتیجه ایمان، هدایت و التزام به ارزش‌های الهی مطرح شده است؛ چنان که می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام، ۸۲). از این رو، امنیت در قرآن تنها به معنای فقدان تهدید خارجی نیست، بلکه مفهومی فراگیر است که آرامش روانی، ثبات اجتماعی و مصونیت اعتقادی را نیز در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۴۳).

بر این اساس، امنیت قرآنی مفهومی چندبعدی است که ابعاد اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را شامل می‌شود. در این نگرش، حفظ ایمان و هویت دینی، برقراری عدالت اجتماعی، ایجاد همبستگی عمومی و صیانت از استقلال جامعه اسلامی، از مهمترین مؤلفه‌های تحقق امنیت به شمار می‌روند (قرطبی، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۳۴۵). از همین رو، مفسران معاصر امنیت را یکی از مقاصد اساسی شریعت دانسته و معتقدند امنیت پایدار در نگاه قرآن، در پرتو ایمان، عدالت و حاکمیت ارزش‌های الهی تحقق می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۸)؛ بنابراین، امنیت در اصطلاح قرآنی یک مفهوم هنجاری و تمدنی است که زمینه رشد، تعالی و استقرار حیات طیبه را برای فرد و جامعه فراهم می‌سازد.

۳. مبانی قرآنی قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل ریشه در منظومه معارف قرآنی دارد و بر نفی هر گونه زمینه سلطه، نفوذ

و برتری غیرمسلمانان بر جامعه مؤمنان دلالت می‌کند. اگرچه آیه ۱۴۱ سوره نساء مهمترین مستند این قاعده است، اما مجموعه‌ای از آیات قرآن بر حفظ عزت، استقلال و مصونیت جامعه اسلامی از سلطه بیگانگان تأکید دارند. ازاین‌رو، نفی سیل را باید در چارچوب نظام هدایتی قرآن و در پیوند با اصولی همچون عزت مؤمنان، ولایت الهی و صیانت از هویت اسلامی تحلیل کرد.

۳-۱. آیه نفی سیل (نساء، ۱۴۱)

مهمترین مستند قرآنی قاعده نفی سیل، آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) است. مفسران، «سیل» را در این آیه به معنای هرگونه راه سلطه، نفوذ و برتری دانسته‌اند که به استیلاي کفار بر مؤمنان بینجامد. علامه طباطبایی، مفاد آیه را نفی هرگونه سلطه تشریعی ناسازگار با عزت و کرامت مؤمنان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۹۷). طبرسی نیز بر این باور است که خداوند هیچ راه مشروع و پایداری برای برتری کفار بر مسلمانان قرار نداده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۱۴). همچنین فخر رازی با تفسیر «سیل» به حجت، سلطه و غلبه، آیه را ناظر به نفی برتری حقوقی و معرفتی کفار می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۱۷۰).

بر این اساس، آیه نفی سیل فراتر از یک حکم موردی، بیانگر اصلی فراگیر در تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی است. به همین دلیل، فقهای امامیه آن را از مهمترین مستندات فقهی در ابواب قضا، معاملات، نکاح و سیاست شرعی دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۱۲). افزون بر این، برخی اندیشمندان معاصر، آیه را مبنای نظری حفظ استقلال و نفی هرگونه ساختار سلطه‌پذیر در روابط داخلی و بین‌المللی جامعه اسلامی معرفی کرده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸).

۳-۲. نفی نفوذ دشمنان (آل عمران، ۱۱۸)

از دیگر مبانی قرآنی قاعده نفی سیل، آیه ۱۱۸ سوره آل عمران است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا». این آیه مؤمنان را از واگذاری

حوزه‌های حساس تصمیم‌سازی و اعتماد راهبردی به بیگانگانی که خیرخواه جامعه اسلامی نیستند، بر حذر می‌دارد. مفسران، «بطانة» را به معنای افراد نزدیک و آگاه از اسرار جامعه دانسته‌اند که در فرآیند تصمیم‌گیری و مدیریت نقش مؤثر دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۴).

علامه طباطبایی، این نهی را اصلی پیشگیرانه برای صیانت از انسجام و امنیت جامعه اسلامی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۵). همچنین ابن‌کثیر و مکارم شیرازی بر این نکته تأکید کرده‌اند که آیه نسبت به نفوذ تدریجی دشمن در پوشش روابط ظاهراً دوستانه هشدار می‌دهد (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۸۷). از این رو، دلالت آیه محدود به یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه ناظر به حفظ امنیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی است.

بر این اساس، آیه ۱۱۸ آل‌عمران مکمل آیه نفی سبیل به شمار می‌آید؛ زیرا اگر آیه ۱۴۱ نساء بر نفی سلطه و برتری بیگانگان تأکید دارد، آیه آل‌عمران بر جلوگیری از شکل‌گیری زمینه‌ها و مجاری نفوذ آنان تمرکز می‌کند. در نتیجه، مجموعه این آیات چارچوبی قرآنی برای صیانت از استقلال، هویت و امنیت جامعه اسلامی فراهم می‌آورند و مبنای نظری قاعده نفی سبیل را شکل می‌دهند.

۳-۳. نهی از ولایت سلطه‌گرانه (مأئده، ۵۱)

آیه ۵۱ سوره مأئده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ» از مهمترین آیات مرتبط با صیانت از استقلال جامعه اسلامی است. مفسران، «ولایت» در این آیه را صرف دوستی عادی ندانسته، بلکه آن را ناظر به نوعی پیوند مبتنی بر تبعیت، وابستگی و واگذاری اختیار در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۲۱۷). از این رو، آیه نسبت به شکل‌گیری روابطی هشدار می‌دهد که زمینه تأثیرگذاری بیگانگان بر اراده جمعی جامعه اسلامی را فراهم سازد.

علامه طباطبایی، ولایت را در این آیه به معنای رابطه‌ای می‌داند که استقلال تصمیم‌گیری جامعه مؤمنان را مخدوش کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۵). همچنین

زمخشری و ابن کثیر بر این باورند که آیه ناظر به روابطی است که به حمایت سیاسی و اعتماد راهبردی منتهی شده و امکان نفوذ در ساختار قدرت را فراهم می‌آورد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۲۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۲۴). بر این اساس، آیه مائده (۵۱) یکی از مبانی قرآنی پیشگیری از وابستگی سیاسی و زمینه‌ساز تحقق قاعده نفی سبیل به شمار می‌رود.

۳-۴. نهی از رکون به ظالمان (هود، ۱۱۳)

خداوند در آیه ۱۱۳ سوره هود می‌فرماید: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ». واژه «رکون» به معنای تمایل، اعتماد و اتکاست و مفسران آن را ناظر به هرگونه گرایش مؤثر به جریان‌های ظلم و سلطه دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۷۳). ازاین‌رو، آیه مسلمانان را از وابستگی به قدرت‌هایی که بر مبنای ظلم و استکبار عمل می‌کنند، برحذر می‌دارد.

علامه طباطبایی، رکون را شامل هر نوع اتکایی می‌داند که استقلال اراده فردی یا اجتماعی مسلمانان را تحت تأثیر قرار دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۰۱). زمخشری و ابن کثیر نیز تأکید کرده‌اند که حتی تمایل و همکاری محدود با ساختارهای ظالمانه می‌تواند به تقویت و تثبیت قدرت آنان بینجامد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۹۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۵۲). بدین ترتیب، آیه هود (۱۱۳) بر نفی زمینه‌های روانی و اجتماعی سلطه تأکید داشته و مکمل آیات نفی سبیل و نفی نفوذ به شمار می‌رود.

۳-۵. ضرورت اقتدار و بازدارندگی (انفال، ۶۰)

آیه ۶۰ سوره انفال: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» یکی از مهمترین مبانی قرآنی اقتدار و بازدارندگی در جامعه اسلامی است. مفسران، «قوه» را مفهومی فراگیر دانسته‌اند که افزون بر توان نظامی، ظرفیت‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی را نیز شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۲۲۱). هدف این آمادگی، ایجاد بازدارندگی و جلوگیری از طمع دشمنان نسبت به جامعه اسلامی است.

در پیوند با قاعده نفی سبیل، این آیه بُعد ایجابی مسئله را تبیین می‌کند؛ زیرا نفی

سلطه تنها با ممنوعیت وابستگی تحقق نمی‌یابد، بلکه نیازمند تولید و حفظ قدرت نیز هست. از همین رو، مفسران و اندیشمندان معاصر، اقتدار را شرط حفظ عزت، استقلال و امنیت جامعه اسلامی دانسته‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۴۱)؛ بنابراین، آیه انفال (۶۰) مکمل آیات پیشین بوده و راهکار عملی جلوگیری از سلطه‌پذیری را در تقویت توانمندی‌های جامعه اسلامی معرفی می‌کند.

بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که قاعده نفی سبیل بر یک منظومه به هم پیوسته از آموزه‌های قرآنی استوار است. آیه ۱۴۱ سوره نساء اصل نفی سلطه را بیان می‌کند، آیه ۱۱۸ آل عمران بر جلوگیری از نفوذ بیگانگان تأکید دارد، آیه ۵۱ مائده از وابستگی و ولایت سلطه‌آفرین نهی می‌کند، آیه ۱۱۳ هود نسبت به گرایش به ساختارهای ظالمانه هشدار می‌دهد و آیه ۶۰ انفال راهکار تحقق این اهداف را در اقتدار و بازدارندگی معرفی می‌نماید. از این رو، قاعده نفی سبیل را می‌توان یکی از مبانی قرآنی حفظ استقلال، عزت و امنیت جامعه اسلامی دانست که ظرفیت تبیین ابعاد مختلف امنیت و روابط بین‌الملل در اندیشه اسلامی را داراست. از منظر مطالعات امنیتی نیز، نظریه پردازانی مانند بوزان، امنیت را حاصل تعامل قدرت و بازدارندگی می‌دانند که با منطبق قرآنی «أَعِدُّوا لَهُمْ» هم‌راستا است (بوزان، ۱۳۷۰)؛ بنابراین، قاعده نفی سبیل را می‌توان یک نظریه قرآنی جامع در حوزه امنیت و اقتدار دانست که ظرفیت تبیین الگوی «امنیت ملی اسلامی» را در مطالعات معاصر فراهم می‌سازد.

۴. مؤلفه‌های امنیت ملی در قرآن

۴-۱. امنیت اعتقادی

امنیت اعتقادی در قرآن کریم به معنای مصونیت باورهای دینی و حفظ سلامت نظام فکری جامعه اسلامی از انحراف، تردید و گمراهی است. از منظر قرآن، ایمان زیربنای حیات فردی و اجتماعی انسان به شمار می‌آید و آرامش و اطمینان حقیقی در پرتو آن حاصل می‌شود؛ چنان‌که می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸). بر این اساس، امنیت اعتقادی تنها به حفظ باورهای فردی

محدود نیست، بلکه انسجام فکری و هویتی جامعه را نیز دربر می گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۱۲).

قرآن کریم عوامل متعددی را تهدید کننده امنیت اعتقادی معرفی می کند؛ از جمله پیروی از گمان های باطل، وسوسه های شیطانی و تأثیر پذیری از جریان های انحرافی که می توانند مسیر هدایت را دچار اختلال سازند (بقره، ۱۶۸؛ آل عمران، ۱۴۹). مفسران این آیات را ناظر به ضرورت صیانت از بنیان های اعتقادی جامعه اسلامی و مقابله با عوامل تضعیف کننده ایمان دانسته اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۸). از این رو، حفظ مرزهای اعتقادی و تقویت معرفت دینی از مهمترین الزامات تحقق امنیت در نگاه قرآن به شمار می رود.

در چارچوب قاعده نفی سیل نیز امنیت اعتقادی جایگاهی بنیادین دارد؛ زیرا وابستگی فکری و تضعیف باورهای دینی می تواند زمینه ساز آسیب پذیری در سایر حوزه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شود. از این رو، قرآن بر تحکیم ایمان، تعمیق معرفت توحیدی و حفظ هویت اعتقادی جامعه تأکید می کند و امنیت اعتقادی را یکی از پایه های اساسی امنیت ملی در منظومه فکری اسلام می داند (سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۰۳).

۴-۲. امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی در قرآن کریم به معنای حفظ هویت دینی، ارزش های اسلامی و نظام معنایی جامعه در برابر عوامل تهدید کننده و هویت زدا است. در نگرش قرآنی، فرهنگ تنها مجموعه ای از آداب و رسوم نیست، بلکه شامل باورها، ارزش ها و الگوهای رفتاری ای است که شخصیت فردی و جمعی جامعه را شکل می دهد. از این رو، قرآن کریم بر پابندی به هدایت الهی و پرهیز از مسیرهای انحرافی تأکید کرده و می فرماید: «إِنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ» (انعام، ۱۵۳). مفسران این آیه را ناظر به ضرورت حفظ انسجام ارزشی و هویتی جامعه اسلامی دانسته اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۳۹۲).

قرآن کریم یکی از مهمترین تهدیدهای امنیت فرهنگی را استحاله هویتی و تأثیرپذیری از الگوهای ناسازگار با ارزش های اسلامی معرفی می کند. در این زمینه، آیه

«وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره، ۱۲۰) بیانگر تلاش جریان‌های بیرونی برای تأثیرگذاری بر جهت‌گیری‌های فرهنگی و هویتی جامعه مؤمنان است. مفسران این آیه را هشداری نسبت به از دست رفتن استقلال فرهنگی و فاصله گرفتن از ارزش‌های دینی تلقی کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۸).

در چارچوب قاعده نفی سیل، امنیت فرهنگی ناظر به جلوگیری از شکل‌گیری زمینه‌های وابستگی و نفوذ در عرصه فرهنگ است. بر این اساس، حفظ هویت اسلامی، تقویت خودآگاهی فرهنگی و صیانت از نظام ارزشی جامعه، از الزامات تحقق امنیت فرهنگی به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۱). از این رو، امنیت فرهنگی در الگوی قرآنی امنیت ملی، یکی از ارکان اساسی حفظ انسجام اجتماعی و تداوم هویت تمدنی جامعه اسلامی به شمار می‌رود.

۳-۴. امنیت سیاسی

امنیت سیاسی در قرآن کریم به معنای حفظ استقلال و ثبات نظام سیاسی جامعه اسلامی و صیانت از فرایند تصمیم‌گیری آن در برابر عوامل تهدیدکننده داخلی و خارجی است. در نگرش قرآنی، حاکمیت سیاسی ابزاری برای تحقق عدالت، اقامه ارزش‌های الهی و حفظ مصالح عمومی جامعه به شمار می‌رود. از این رو، قرآن کریم عزت و اقتدار جامعه مؤمنان را از اصول بنیادین حیات سیاسی دانسته و می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸). مفسران این آیه را بیانگر جایگاه عزت و استقلال در نظام سیاسی اسلام دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۵۸).

از منظر قرآن، امنیت سیاسی زمانی تحقق می‌یابد که جامعه اسلامی از وابستگی و تأثیرپذیری سلطه‌جویانه مصون بماند و براساس ارزش‌های دینی و اراده مستقل خود عمل کند. در همین راستا، قرآن مؤمنان را از پذیرش روابط ولایی تضعیف‌کننده استقلال سیاسی برحذر داشته است: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۲۸). مفسران این آیه را ناظر به منع وابستگی سیاسی و روابطی دانسته‌اند که زمینه نفوذ در اراده و تصمیم‌گیری جامعه اسلامی را فراهم می‌سازد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۵۲).

در چارچوب قاعده نفی سیل، امنیت سیاسی بر حفظ استقلال حاکمیت و جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه سازوکار سلطه‌آفرین دلالت دارد. بر این اساس، صیانت از اقتدار سیاسی، حفظ اراده مستقل جامعه اسلامی و جلوگیری از نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری، از مهمترین الزامات تحقق امنیت سیاسی به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۳). از این‌رو، امنیت سیاسی در الگوی قرآنی امنیت ملی، یکی از ارکان اساسی حفظ عزت، استقلال و پایداری جامعه اسلامی به شمار می‌رود.

۴-۴. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی در قرآن کریم به معنای برخورداری جامعه از ثبات معیشتی، عدالت در توزیع منابع و توانمندی اقتصادی برای تأمین نیازهای عمومی است. در نگرش قرآنی، اقتصاد تنها حوزه‌ای مادی نیست، بلکه با عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و استحکام جامعه پیوندی مستقیم دارد. از این‌رو، قرآن کریم با تأکید بر توزیع عادلانه ثروت و جلوگیری از تمرکز منابع اقتصادی، زمینه‌های تحقق امنیت اقتصادی را فراهم می‌سازد: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولُهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، ۷). مفسران این آیه را ناظر به ضرورت جلوگیری از انحصار اقتصادی و حفظ تعادل اجتماعی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۵۲).

قرآن کریم امنیت اقتصادی را در پیوند با مفاهیمی همچون رزق حلال، عدالت اقتصادی و مبارزه با فساد تبیین می‌کند. در این چارچوب، هرگونه رفتار اقتصادی که موجب اختلال در نظم اجتماعی و تضییع حقوق عمومی شود، مورد نکوهش قرار گرفته است: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف، ۵۶). مفسران، فساد را مفهومی گسترده دانسته‌اند که بی‌عدالتی، تبعیض و اختلال در مناسبات اقتصادی را نیز دربر می‌گیرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۰۱). از این‌رو، تحقق عدالت، حمایت از فعالیت‌های اقتصادی سالم و جلوگیری از انباشت نامتوازن ثروت از مهمترین مؤلفه‌های امنیت اقتصادی در نگاه قرآن به شمار می‌رود.

در چارچوب قاعده نفی سیل، امنیت اقتصادی به معنای کاهش وابستگی‌های

آسیب‌زا و تقویت توانمندی‌های درونی جامعه اسلامی است. بر این اساس، هرگونه ساختار اقتصادی که زمینه نفوذ، فشار یا تحمیل اراده بیگانگان را فراهم سازد، با اهداف این قاعده ناسازگار خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۴)؛ بنابراین، امنیت اقتصادی در الگوی قرآنی امنیت ملی، نقشی اساسی در حفظ استقلال، پایداری و اقتدار جامعه اسلامی ایفا می‌کند.

۴-۵. امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی در قرآن کریم به معنای استقرار نظم، عدالت و همبستگی در روابط اجتماعی و فراهم‌سازی زمینه آرامش و اعتماد عمومی در جامعه است. در نگرش قرآنی، جامعه اسلامی بر پایه پیوندهای ایمانی و مسئولیت‌پذیری متقابل شکل می‌گیرد و حفظ این پیوندها از عوامل اصلی پایداری اجتماعی به شمار می‌آید. قرآن کریم با تأکید بر اخوت ایمانی می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰). مفسران این آیه را بیانگر ضرورت تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی در میان مؤمنان دانسته‌اند؛ امری که زمینه‌ساز ثبات و امنیت جامعه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۱۹).

در منظومه قرآنی، امنیت اجتماعی با مفاهیمی همچون عدالت، اصلاح روابط اجتماعی و جلوگیری از فساد پیوندی وثیق دارد. از این رو، قرآن کریم مؤمنان را به اصلاح مناسبات اجتماعی فراخوانده و می‌فرماید: «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال، ۱). مفسران این آیه را ناظر به اهمیت کاهش تعارضات اجتماعی و حفظ وحدت جامعه دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۱۲). بر همین اساس، رعایت حقوق متقابل، پرهیز از رفتارهای تفرقه‌افکنانه و گسترش عدالت اجتماعی از مهمترین مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در قرآن به شمار می‌رود.

در چارچوب قاعده نفی سبیل، امنیت اجتماعی مستلزم حفظ انسجام درونی جامعه و جلوگیری از شکل‌گیری عوامل تضعیف‌کننده وحدت اجتماعی است. از این رو، تقویت اعتماد عمومی، تحکیم همبستگی اجتماعی و صیانت از هویت جمعی جامعه اسلامی، از الزامات تحقق این نوع امنیت محسوب می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۴۷). بدین ترتیب،

امنیت اجتماعی در الگوی قرآنی امنیت ملی، یکی از ارکان اساسی پایداری و استحکام جامعه اسلامی به شمار می‌آید و نقش مهمی در حفظ نظم و ثبات اجتماعی ایفا می‌کند.

۵. نقش قاعده نفی سبیل در الگوی قرآنی امنیت ملی

۵-۱. حفظ استقلال سیاسی

حفظ استقلال سیاسی یکی از مهمترین کارکردهای قاعده نفی سبیل در الگوی قرآنی امنیت ملی است. در نگرش قرآن کریم، استقلال سیاسی به معنای برخورداری جامعه اسلامی از اراده و اختیار مستقل در تعیین سرنوشت خویش و مصونیت از هرگونه سلطه و مداخله خارجی در فرایندهای تصمیم‌گیری است. ازاین‌رو، آیه «وَلَكِنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) به‌عنوان مبنای قرآنی این اصل، هرگونه سازوکار منتهی به برتری و استیلای غیرمسلمانان بر جامعه اسلامی را نفی می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۱۴). بر این اساس، استقلال سیاسی نه تنها یک ضرورت مدیریتی، بلکه یک ارزش دینی و مؤلفه بنیادین امنیت ملی در منطق قرآن به شمار می‌رود.

قاعده نفی سبیل با نفی زمینه‌های سلطه، نقش مهمی در صیانت از حاکمیت سیاسی جامعه اسلامی ایفا می‌کند. مفسران، «سبیل» را مفهومی عام دانسته‌اند که اشکال مختلف سلطه و نفوذ را دربر می‌گیرد؛ ازاین‌رو، هرگونه رابطه سیاسی که موجب وابستگی اراده تصمیم‌گیران یا محدود شدن استقلال حاکمیت اسلامی شود، با مفاد این قاعده ناسازگار خواهد بود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۱۷۰). در این چارچوب، قاعده نفی سبیل تنها ناظر به مقابله با سلطه بالفعل نیست، بلکه بر جلوگیری از شکل‌گیری بسترهای وابستگی سیاسی نیز دلالت دارد.

از منظر امنیت ملی، استقلال سیاسی شرط اساسی حفظ ثبات، اقتدار و انسجام جامعه اسلامی است. قرآن کریم با پیوند دادن عزت مؤمنان به حاکمیت الهی، هرگونه سلطه‌پذیری را مغایر با هویت سیاسی جامعه ایمانی معرفی می‌کند: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸). مفسران این آیه را بیانگر اصل عزت و نفی وابستگی در نظام

سیاسی اسلام دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۵۸)؛ بنابراین، قاعده نفی سبیل با ایجاد چارچوبی هنجاری برای حفظ استقلال تصمیم‌گیری و جلوگیری از نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر، یکی از مهمترین مبانی تحقق امنیت سیاسی در الگوی قرآنی امنیت ملی به شمار می‌آید.

۵-۲. مقابله با نفوذ فرهنگی

یکی از مهمترین کارکردهای قاعده نفی سبیل در الگوی قرآنی امنیت ملی، جلوگیری از نفوذ فرهنگی و صیانت از هویت ارزشی جامعه اسلامی است. از منظر قرآن کریم، سلطه همواره در قالب قدرت سیاسی و نظامی ظهور نمی‌یابد، بلکه گاه از طریق تأثیرگذاری بر نظام فکری، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری جامعه محقق می‌شود. بر این اساس، قاعده نفی سبیل که هرگونه راه سلطه و برتری بیگانگان بر مؤمنان را نفی می‌کند، در حوزه فرهنگ نیز ناظر به جلوگیری از شکل‌گیری زمینه‌های وابستگی فکری و هویتی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۱).

آیات قرآن کریم بر ضرورت حفظ مرجعیت فرهنگی و تبعیت از هدایت الهی تأکید دارند. از جمله، آیه «وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (انعام، ۱۵۳) جامعه اسلامی را از پیروی از مسیرهای انحرافی بازمی‌دارد و بر حفظ انسجام فکری و ارزشی تأکید می‌کند. همچنین آیه «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره، ۱۲۰) بیانگر تلاش برخی جریان‌ها برای تأثیرگذاری بر جهت‌گیری‌های فرهنگی و هویتی جامعه مؤمنان است. مفسران این آیات را هشدار به استتال فرهنگی و فاصله گرفتن از ارزش‌های اصیل دینی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۱).

در چارچوب امنیت ملی، قاعده نفی سبیل بر ضرورت تقویت خودآگاهی فرهنگی، حفظ استقلال هویتی و ارتقای قدرت فرهنگی جامعه اسلامی دلالت دارد. بر این اساس، مقابله با نفوذ فرهنگی تنها به معنای ردّ الگوهای بیگانه نیست، بلکه مستلزم تولید و بازتولید ارزش‌ها و الگوهای مبتنی بر فرهنگ اسلامی است. از این رو، قاعده نفی سبیل با

فراهم ساختن مبنایی هنجاری برای صیانت از هویت دینی و تمدنی، یکی از مهمترین ابزارهای تحقق امنیت فرهنگی در الگوی قرآنی امنیت ملی به شمار می آید (سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۱۴).

۵-۳. جلوگیری از وابستگی اقتصادی

یکی از کارکردهای اساسی قاعده نفی سبیل در الگوی قرآنی امنیت ملی، جلوگیری از وابستگی اقتصادی و حفظ استقلال راهبردی جامعه اسلامی است. در منطق قرآن کریم، استقلال اقتصادی تنها یک هدف معیشتی نیست، بلکه بخشی از سازوکار حفظ عزت، اقتدار و مصونیت جامعه در برابر سلطه به شمار می رود. ازاین رو، قاعده نفی سبیل با نفی هرگونه زمینه برتری و نفوذ بیگانگان بر جامعه اسلامی، بر ضرورت کاهش وابستگی های اقتصادی سلطه آفرین دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۹۷).

آموزه های اقتصادی قرآن نیز در جهت تقویت بنیان های استقلال و جلوگیری از شکل گیری ساختارهای آسیب پذیر قابل تحلیل است. آیه «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، ۷) بر توزیع عادلانه فرصت ها و جلوگیری از تمرکز قدرت اقتصادی تأکید دارد و آیه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف، ۵۶) هرگونه اختلال در نظم اقتصادی و اجتماعی را مردود می شمارد. مفسران این آموزه ها را زمینه ساز شکل گیری اقتصادی متوازن، پایدار و مقاوم در برابر فشارهای بیرونی دانسته اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۰۱).

در چارچوب قاعده نفی سبیل، وابستگی اقتصادی زمانی به یک تهدید امنیتی تبدیل می شود که امکان اعمال نفوذ یا تحمیل اراده قدرت های بیرونی را فراهم سازد. ازاین رو، تقویت ظرفیت های تولیدی، مدیریت منابع راهبردی و کاهش وابستگی های آسیب زا از الزامات تحقق امنیت اقتصادی در جامعه اسلامی به شمار می رود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۸۵). بدین ترتیب، قاعده نفی سبیل با ایجاد مبنایی هنجاری برای صیانت از استقلال اقتصادی، نقش مهمی در افزایش تاب آوری ملی و تحقق امنیت پایدار در الگوی قرآنی امنیت ملی ایفا می کند.

۴-۵. تقویت اقتدار دفاعی

تقویت اقتدار دفاعی در منظومه امنیتی قرآن کریم، یکی از الزامات بنیادین حفظ استقلال، عزت و مصونیت جامعه اسلامی در برابر تهدیدهای بیرونی است. قرآن امنیت را امری منفعل و مبتنی بر انتظار رفع تهدید نمی‌داند، بلکه آن را نتیجه آمادگی، قدرت و بازدارندگی معرفی می‌کند. از همین رو، قاعده نفی سبیل که بر نفی هر گونه سلطه و استیلا بیگانگان بر جامعه مؤمنان دلالت دارد، در بعد دفاعی مستلزم فراهم‌سازی توانایی‌های لازم برای جلوگیری از تحقق سلطه است. در این چارچوب، اقتدار دفاعی نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک ضرورت قرآنی برای حفظ امنیت و استقلال امت اسلامی محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۳۲).

مهمترین مستند قرآنی این اصل، آیه ۶۰ سوره انفال است که می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ». مفسران قرآن کریم «قوه» را مفهومی فراگیر دانسته‌اند که افزون بر توان نظامی، ظرفیت‌های علمی، اقتصادی، فناورانه و مدیریتی را نیز دربرمی‌گیرد؛ زیرا همه این مؤلفه‌ها در ایجاد قدرت بازدارندگی و حفظ امنیت جامعه نقش دارند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۲۲۱). علامه طباطبایی نیز هدف از این آمادگی را جلوگیری از جرئت یافتن دشمنان برای تعرض به جامعه اسلامی می‌داند و آن را یکی از سازوکارهای تحقق امنیت پایدار معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۳۳). بر این اساس، اقتدار دفاعی در قرآن تنها ناظر به مقابله با تهدیدهای بالفعل نیست، بلکه معطوف به پیشگیری از شکل‌گیری تهدید و جلوگیری از طمع‌ورزی دشمنان است.

در پرتو قاعده نفی سبیل، میان ضعف دفاعی و سلطه‌پذیری رابطه‌ای مستقیم وجود دارد؛ زیرا هر اندازه جامعه اسلامی از مؤلفه‌های قدرت فاصله بگیرد، زمینه نفوذ و سلطه بیگانگان افزایش می‌یابد. از این رو، فقها و اندیشمندان اسلامی، حفظ توان دفاعی را یکی از لوازم عملی نفی سبیل دانسته‌اند؛ چرا که نفی سلطه بدون برخورداری از قدرت بازدارنده امکان تحقق نخواهد داشت (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۱). در این نگاه، اقتدار دفاعی ابزاری برای تجاوز و سلطه‌جویی نیست، بلکه سازوکاری مشروع برای

صیانت از امنیت، استقلال و تمامیت جامعه اسلامی به شمار می‌رود.

بنابراین، تقویت اقتدار دفاعی در الگوی قرآنی امنیت ملی، یکی از مهمترین کارکردهای قاعده نفی سبیل به شمار می‌رود. این قاعده با تأکید بر ضرورت آمادگی و قدرت، جامعه اسلامی را به سوی خوداتکایی دفاعی، افزایش توان بازدارندگی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدهای خارجی هدایت می‌کند. در نتیجه، اقتدار دفاعی در منطق قرآن نه تنها یک مؤلفه نظامی، بلکه یکی از ارکان اساسی امنیت ملی و ضامن حفظ عزت، استقلال و مصونیت امت اسلامی در برابر هرگونه سلطه و نفوذ بیگانگان است

۵-۵. صیانت از هویت اسلامی

صیانت از هویت اسلامی یکی از مهمترین کارکردهای قاعده نفی سبیل در الگوی قرآنی امنیت ملی به شمار می‌آید. هویت اسلامی در منطق قرآن، مجموعه‌ای از باورهای توحیدی، ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای فرهنگی و الگوهای رفتاری است که شخصیت فردی و جمعی امت اسلامی را شکل می‌دهد و استمرار حیات تمدنی آن را تضمین می‌کند. از این رو، هرگونه تضعیف یا دگرگونی در این مؤلفه‌ها می‌تواند انسجام اجتماعی، استقلال فرهنگی و امنیت جامعه اسلامی را با مخاطره مواجه سازد. قاعده نفی سبیل، مبتنی بر آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)، هرگونه زمینه سلطه و نفوذ پایدار را نفی می‌کند و این دلالت، حوزه هویت و فرهنگ را نیز دربرمی‌گیرد؛ زیرا سلطه هویتی از مهمترین ابزارهای سلطه پایدار بر جوامع است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۹۷).

قرآن کریم با تأکید بر حفظ مرزهای اعتقادی و فرهنگی جامعه اسلامی، مؤمنان را از تبعیت از الگوهایی که موجب انحراف از مسیر الهی می‌شود، برحذر داشته است. آیه «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (انعام، ۱۵۳) بر ضرورت التزام به صراط مستقیم و پرهیز از مسیرهای متفرق و هویت‌زدا تأکید دارد. مفسران این آیه را ناظر به حفظ وحدت اعتقادی و فرهنگی امت اسلامی دانسته‌اند؛

وحدتی که ضامن بقای هویت دینی جامعه است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۵۶). همچنین آیه «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره، ۱۲۰) به تلاش جریان‌های بیرونی برای تغییر جهت‌گیری فرهنگی و هویتی جامعه اسلامی اشاره دارد؛ تلاشی که در صورت پذیرش، به تضعیف استقلال فکری و فرهنگی مسلمانان خواهد انجامید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۱).

در چارچوب قاعده نفی سبیل، حفظ هویت اسلامی مستلزم جلوگیری از هرگونه نفوذ فرهنگی و معرفتی است که به استحاله تدریجی ارزش‌ها و باورهای دینی منجر شود. از این منظر، سلطه تنها در قالب قدرت سیاسی یا اقتصادی تحقق نمی‌یابد، بلکه نفوذ در نظام آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی نیز می‌تواند زمینه‌ساز وابستگی هویتی و تغییر الگوهای فکری جامعه باشد. به همین دلیل، برخی فقها و اندیشمندان معاصر، صیانت از هویت اسلامی را یکی از مصادیق مهم نفی سبیل دانسته و بر ضرورت تقویت خودآگاهی دینی، بازتولید فرهنگ اسلامی و حفظ استقلال معرفتی جامعه تأکید کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۸۹).

بر این اساس، صیانت از هویت اسلامی را می‌توان یکی از ارکان اساسی امنیت ملی در الگوی قرآنی دانست. قاعده نفی سبیل با نفی هرگونه سلطه فرهنگی و هویتی، زمینه حفظ اصالت اعتقادی، استمرار ارزش‌های اسلامی و تقویت انسجام اجتماعی را فراهم می‌سازد. در نتیجه، هویت اسلامی نه تنها یک مؤلفه فرهنگی، بلکه سرمایه‌ای راهبردی برای امنیت ملی به شمار می‌رود که حفظ آن، شرط اساسی استقلال، اقتدار و پایداری جامعه اسلامی در برابر تهدیدهای بیرونی و درونی است.

۶. الگوی قرآنی امنیت ملی مبتنی بر قاعده نفی سبیل

بررسی منظومه آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که امنیت ملی در نگرش قرآنی مفهومی چندبعدی، هویت‌محور و تمدنی است که فراتر از تأمین امنیت سرزمینی یا مقابله با تهدیدهای نظامی قرار می‌گیرد. در این چارچوب، قاعده نفی سبیل، مستند به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)، به عنوان مبنای نظری امنیت ملی

اسلامی قابل تبیین است. این قاعده بر نفی هر گونه سلطه، نفوذ و برتری پایدار بیگانگان بر جامعه مؤمنان دلالت دارد و از این رو، ظرفیت شکل‌دهی به یک الگوی جامع امنیتی را داراست.

الگوی قرآنی امنیت ملی مبتنی بر قاعده نفی سبیل از سه سطح به هم پیوسته تشکیل می‌شود. در سطح مبنایی، اصولی همچون توحید، عزت، استقلال، عدالت و نفی سلطه، بنیان‌های ارزشی و معرفتی امنیت را شکل می‌دهند. در این سطح، امنیت نه تنها یک وضعیت سیاسی، بلکه نتیجه استقرار نظم توحیدی و حفظ کرامت و استقلال جامعه اسلامی است. قاعده نفی سبیل نیز به عنوان اصل تنظیم‌گر، معیار ارزیابی روابط و ساختارهای داخلی و خارجی از منظر امکان شکل‌گیری سلطه و وابستگی به شمار می‌رود.

در سطح مؤلفه‌ای، امنیت ملی در پنج حوزه امنیت اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تجلی می‌یابد. امنیت اعتقادی ناظر به صیانت از باورهای توحیدی و جلوگیری از نفوذ فکری است؛ امنیت فرهنگی بر حفظ هویت و ارزش‌های اسلامی تأکید دارد؛ امنیت سیاسی ضامن استقلال تصمیم‌گیری و نفی سلطه سیاسی است؛ امنیت اقتصادی به کاهش وابستگی و افزایش توان مقاومت جامعه می‌پردازد؛ و امنیت اجتماعی از طریق تقویت انسجام، اعتماد عمومی و همبستگی اجتماعی تحقق می‌یابد. این مؤلفه‌ها دارای ارتباطی متقابل و شبکه‌ای هستند و اختلال در هر یک از آنها می‌تواند سایر ابعاد امنیت را نیز متأثر سازد.

در سطح کارکردی، قاعده نفی سبیل به مجموعه‌ای از راهبردهای امنیت‌ساز تبدیل می‌شود که مهمترین آنها شامل حفظ استقلال سیاسی، مقابله با نفوذ فرهنگی، جلوگیری از وابستگی اقتصادی، تقویت اقتدار دفاعی و صیانت از هویت اسلامی است. آیات مرتبط با نهی از اتخاذ بطانه (آل عمران، ۱۱۸)، نهی از ولایت سلطه‌گرانه (مائده، ۵۱)، نهی از رکون به ظالمان (هود، ۱۱۳) و دستور به آمادگی دفاعی (انفال، ۶۰)، بیانگر آن است که قرآن کریم تمامی مراحل شکل‌گیری سلطه، از نفوذ اولیه تا غلبه نهایی را مورد توجه قرار داده و برای مقابله با آن راهکار ارائه کرده است.

بر این اساس، الگوی مفهومی امنیت ملی در قرآن را می‌توان در قالب زنجیره‌ای منطقی ترسیم نمود: «توحید و عزت ← نفی سبیل ← استقلال و اقتدار ← امنیت چنبد بعدی ← حفظ هویت و تمدن اسلامی». در این الگو، قاعده نفی سبیل حلقه واسط میان مبانی ارزشی اسلام و ساختار امنیت ملی است و از طریق مهار زمینه‌های نفوذ و وابستگی، امنیت پایدار را تأمین می‌کند. از این رو، الگوی قرآنی امنیت ملی مبتنی بر قاعده نفی سبیل را می‌توان الگویی هویت‌محور، استقلال‌گرا، پیشگیرانه و تمدن‌ساز دانست که افزون بر حفاظت از موجودیت سیاسی جامعه، صیانت از هویت دینی، استقلال فرهنگی و استمرار حیات تمدنی امت اسلامی را نیز دنبال می‌کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش قاعده فقهی - تفسیری «نفی سبیل» در شکل‌دهی الگوی قرآنی امنیت ملی، به بررسی مبانی قرآنی این قاعده و کارکردهای آن در عرصه‌های مختلف امنیتی پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان داد که قاعده نفی سبیل، مستند به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)، تنها یک حکم فقهی محدود به روابط حقوقی میان مسلمانان و غیرمسلمانان نیست، بلکه یک اصل راهبردی و تمدنی در نظام فکری قرآن کریم به شمار می‌رود که بر نفی هرگونه سلطه، نفوذ و وابستگی منجر به تضعیف جامعه اسلامی دلالت دارد.

بررسی منظومه آیات مرتبط با نفی سبیل نشان داد که قرآن کریم از طریق مجموعه‌ای از آموزه‌ها، از جمله نفی سلطه سیاسی (نساء، ۱۴۱)، جلوگیری از نفوذ اطلاعاتی و فکری (آل عمران، ۱۱۸)، نهی از ولایت سلطه‌گرا (مائده، ۵۱)، پرهیز از رکون به ظالمان (هود، ۱۱۳) و ضرورت اقتدار و بازدارندگی (انفال، ۶۰)، چارچوبی منسجم برای تأمین امنیت جامعه اسلامی ارائه کرده است. این آیات در کنار یکدیگر، شبکه‌ای مفهومی را تشکیل می‌دهند که هدف آن حفظ استقلال، عزت و هویت امت اسلامی در برابر عوامل سلطه و نفوذ است.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که امنیت ملی در منطق قرآن دارای ماهیتی

چندبعدی است و در پنج حوزه اساسی امنیت اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تحقق می‌یابد. در این چارچوب، امنیت اعتقادی به صیانت از نظام باورهای توحیدی، امنیت فرهنگی به حفظ هویت و ارزش‌های اسلامی، امنیت سیاسی به استقلال تصمیم‌گیری و حاکمیت، امنیت اقتصادی به کاهش وابستگی و تحقق عدالت اقتصادی، و امنیت اجتماعی به تقویت انسجام، اخوت و اعتماد عمومی ناظر است. تحلیل این مؤلفه‌ها نشان داد که قاعده نفی سیل در تمامی این عرصه‌ها به‌عنوان یک اصل حاکم عمل می‌کند و معیار ارزیابی روابط، ساختارها و سیاست‌ها از منظر امکان ایجاد سلطه و وابستگی به شمار می‌رود.

از مهمترین نتایج این تحقیق آن است که الگوی قرآنی امنیت ملی مبتنی بر قاعده نفی سیل، الگویی تنها تدافعی نیست، بلکه دارای ماهیتی پیشگیرانه، بازدارنده و تمدنی است. این الگو پیش از تحقق سلطه، با تقویت بنیان‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی، زمینه‌های نفوذ را از میان می‌برد و از طریق ارتقای قدرت و اقتدار همه‌جانبه، امکان سلطه‌پذیری را کاهش می‌دهد. از این رو، امنیت در منطق قرآن تنها به معنای نبود تهدید نیست، بلکه وضعیتی فعال و پویا است که در آن جامعه اسلامی از ظرفیت‌های لازم برای حفظ استقلال، عزت و هویت خویش برخوردار باشد.

تحلیل کارکردهای قاعده نفی سیل نشان داد که این قاعده در مقام عمل، از طریق حفظ استقلال سیاسی، مقابله با نفوذ فرهنگی، جلوگیری از وابستگی اقتصادی، تقویت اقتدار دفاعی و صیانت از هویت اسلامی، زمینه تحقق امنیت ملی در جامعه اسلامی را فراهم می‌آورد. این کارکردها در مجموع شبکه‌ای از سازوکارهای پیشگیرانه و بازدارنده را تشکیل می‌دهند که مانع شکل‌گیری سلطه، نفوذ و وابستگی شده و به تقویت اقتدار و تاب‌آوری جامعه اسلامی منجر می‌شوند.

نوآوری این پژوهش در ارائه خوانشی منظومه‌ای از قاعده نفی سیل و بازتفسیر آن در قالب یک الگوی جامع امنیت ملی است؛ الگویی که می‌تواند ظرفیت‌های قابل توجهی برای توسعه نظریه‌های بومی امنیت در جهان اسلام و بازاندیشی در مبانی امنیت ملی از منظر قرآن کریم فراهم آورد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های

آینده، ابعاد کاربردی این الگو در حوزه سیاست گذاری عمومی، امنیت فرهنگی، حکمرانی اسلامی و روابط بین الملل مورد بررسی تطبیقی و میان رشته‌ای قرار گیرد تا امکان بهره‌گیری عملی از ظرفیت‌های قاعده نفی سبیل در نظام‌های معاصر بیش از پیش فراهم شود.

منابع

* قرآن کریم

* شریف رضی. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. قم: هجرت.

آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۹۸۴م). التحرير والتنوير. تونس: الدار التونسية للنشر.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (محقق: سامی بن محمد سلامه).

بیروت: دار طیبه.

احمدی، محمدرضا و حسینی، علی. (۱۳۹۷). «امنیت در قرآن کریم؛ مبانی و مؤلفه‌ها».

پژوهش‌های قرآنی.

بوزان، بری. (۱۳۷۰). مردم، دولت‌ها و هراس: دستور کار مطالعات امنیتی در عصر پس از جنگ

سرد. ترجمه پژوهشگران ایرانی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

جواد آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن و امنیت اجتماعی). قم: اسراء.

جواد آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). قرآن و امنیت اجتماعی. قم: انتشارات اسراء.

جواد آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). فقه و مصلحت. قم: اسراء.

رحیمی، احمد. (۱۳۹۸). «تحلیل قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران».

فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست.

رضایی، محمد. (۱۴۰۰). «قاعده نفی سبیل و کارکردهای آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی

ایران». فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

زحیلی، وهبه. (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج. دمشق: دارالفکر.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتاب

العربی.

سبحانی، جعفر. (۱۳۸۹). منشور جاوید (ج ۲). قم: مؤسسه امام صادق (ع).

سید قطب، سید. (بی تا). فی ضلال القرآن. بیروت: دار الشروق.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۹). فقه سیاسی (چاپ پنجم). تهران: امیر کبیر.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۸۷ق). الجامع لأحكام القرآن. قاهره: دارالکتب المصریه.

کاظمی، مهدی. (۱۳۹۸). «امنیت فرهنگی از منظر قرآن کریم». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمدی، حسن. (۱۳۹۹). «فقه امنیت و الزامات آن در نظام اسلامی». فصلنامه فقه و حقوق اسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). مجموعه آثار. تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۰). القواعد الفقهیه (ج ۱). قم: نشر الهادی.

موسوی بجنوردی، سید محمد کاظم. (۱۳۸۰). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.

هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۹۰). فقه نظام سیاسی اسلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.